



هفته‌نامه محلی مردم مشهد

چهارشنبه / ۲۲ اسفند ۱۳۹۷ / شماره ۳۳۰

shahraraonline.ir/shahrara/neighborhoods.html

مجلات منطقه ما: رازی، استاد یوسفی، ولیعصر(عج)، شاهد، لشکر، فرهنگیان امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام هادی(ع)، خاتم الانبیاء (ص)

مجله { ۱۰ } منطقه



یک راهنمای جمع و جور از همه چیزهایی که احتمالاً عید نوروز در منطقه به کارتان می‌آید
سفر به یزد و خواف از دل قاسم آباد

۷۹۴



درباره هادی پیوندی
و تنگ‌های سبز سفره
هفت سین که به دست
توان یابان ساخته می‌شود

ماهی قرمز کوچولو!

۵۴



سومین همایش دوچرخه‌سواری در منطقه برگزار شد

چوپان / امسال ۳ همایش دوچرخه‌سواری به همت شهرداری منطقه ۱۰ برگزار شد که آخرین همایش با مشارکت شهرداری منطقه ۱۱ و به مناسبت هفته هوای پاک بود. به گزارش شهرآرامحله، این همایش که جمعه ۱۷ اسفندماه در راستای برنامه‌های شهرداری منطقه به مناسبت هفته درخت کاری و با همکاری شهرداری منطقه ۱۱ برگزار شد، از ابتدای خیابان آزادشهر آغاز و در بوستان دانش، جنب سینما سیمیرغ خاتمه یافت.

۵۲۰ شرکت کننده در این همایش رکاب زدند و در انتهای این مراسم برنامه درخت کاری، نمایش آثار عکس مربوط به هفته درخت کاری و هوای پاک و قرعه کشی و اهدای جوایز برگزار و به قید قرعه جوایزی نیز به شرکت کنندگان اعطا شد. حسنعلی رجب‌زاده، شهردار منطقه، در این باره گفت: شهرداری مشهد در راستای توسعه فضاهای ورزشی روباز در کنار دیگر نهادهای دولتی اقدامات خوبی انجام داده که از قبیل آن می‌توان به احداث ۲۶ زمین ورزشی روباز و ۳ زمین چمن مصنوعی اشاره کرد که این اماکن از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ شب در اختیار شهروندان به ویژه نوجوانان و جوانان قرار دارد. وی برگزاری همایش‌های ورزشی، فرهنگی در راستای افزایش شور و نشاط اجتماعی را مؤثر دانست و اظهار کرد: امید است در آستانه سال نو بتوانیم شرایط بهتری برای پرداختن به ورزش و تغییر سبک زندگی مردم ایجاد کنیم.

در ادامه این نشست نیز سعید ریخته‌گر، شهردار منطقه ۱۱ شهرداری مشهد، به مشکلات زیست محیطی اشاره و خاطر نشان کرد: از نظر مسائل ترافیکی و آلودگی مشکلات زیادی داریم بنابراین باید به دوچرخه و وسایل نقلیه عمومی روی آورده و بیش از پیش توجه کنیم، اکنون دچار بی‌تحرکی و روزمرگی هستیم و باید فرهنگ دوچرخه‌سواری را ترویج دهیم تا از این طریق به سلامتی خود نیز کمک کنیم.

وی خاطر نشان کرد: این همایش در واقع یک برنامه نمادین است، هدف این است که شهروندان تک‌سرنشینی را کنار بگذارند و در این برنامه‌ها بیشتر همکاری کنند، اکنون متولیان شهر مشهد نسبت به ایمن‌سازی فضاها برای دوچرخه‌سواری اقدام کردند و اتفاقات خوبی را در پیش رو داریم.

قرار بر ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری است

حسن نوری، معاونت تربیت بدنی و سلامت شهرداری مشهد، نیز درباره این همایش گفت: اقدامات مطلوبی در حال انجام و قرار بر ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری در مشهد است، باید مطالبات اجتماعی در این ارتباط افزایش یابد تا امور نیز با روند بهتری پیش رود.

مهدی روزبهان، رئیس هیئت دوچرخه‌سواری خراسان رضوی، نیز در این نشست بیان کرد: این مراسم‌ها برای یادآوری به مردم در راستای استفاده از دوچرخه و حمل و نقل عمومی برگزار می‌شود. باید مردم را در حوزه دوچرخه‌سواری فعال کرد.

جعفری، مسئول کمیته دوچرخه‌سواری خراسان رضوی، نیز گفت: اهداف فعالیت کمیته همگانی هیئت دوچرخه‌سواری استان با اهداف شهرداری هم‌راستا است، این کمیته در بحث سلامت وارد عمل شده و در تلاش برای جایگزینی دوچرخه با خودرو است، حدود ۱۰ برنامه در ارتباط با دوچرخه‌سواری برگزار شده و قرار بر برگزاری مراسم تجلیل در انتهای سال است.

وی خاطر نشان کرد: هلندی‌ها در چندین سال گذشته مشکلات کنونی مشهد را داشتند اما اکنون دوچرخه‌سواری در شهرهای این کشور رواج یافته است، امیدواریم در بازه زمانی کوتاه شاهد ترویج دوچرخه‌سواری در شهر باشیم و عموم را به سمت این مقوله جذب کنیم.



از نوروز خوانی تا کشف رازهای تاریخی هفت‌سین

فرهنگ‌سراهای منطقه به استقبال نوروز می‌روند

● خادم‌الشریعه و خیمه‌شب‌بازی مبارک

سهراب صمدی، مدیر فرهنگ‌سرای خادم‌الشریعه، نیز درباره برنامه‌های این فرهنگ‌سرا برای نوروز ۹۸ به خبرنگار ما گفت: در آستانه نوروز ۹۸ رویدادهای فرهنگی هنری متعددی در غالب برنامه‌های نوروز گاه برای عموم شهروندان در نظر گرفته شده است. وی ادامه داد: سفیران بهار فرهنگ‌سرای خادم‌الشریعه به اجرای هنر سنتی نمایش سیار «خیمه شب بازی مبارک» می‌پردازند که در این برنامه حکایت‌ها و داستان‌های عامیانه با بیانی طنز آمیز به همراه ضرب و آواز در قالب گفت‌وگوی میان مرشد و عروسک‌های سوتکی انجام خواهد شد.

صمدی ادامه داد: علاوه بر این برنامه، نواختن سرنا و دهل زنی را نیز برای نشاط هر چه بیشتر شهروندان خواهیم داشت. وی افزود: برنامه‌های فوق‌الذکر در روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفندماه ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ در محل بوستان قاصدک واقع در حدفاصل خادم‌الشریعه ۴ و ۶ انجام می‌شود.

● خانواده و تنگ بلور

شخص سلیم، کارشناس فرهنگی فرهنگ‌سرای خانواده، نیز با اشاره به برنامه‌های متعدد این فرهنگ‌سرا در آستانه نوروز امسال، بیان کرد: یکی از این برنامه‌ها، فضای آرایشی است که طی آن فضای فرهنگ‌سرا نورپردازی شده و حیاط فرهنگ‌سرا نیز در آستانه بهار گل‌آرایی و آماده استقبال از بهار می‌شود.

وی ادامه داد: تنگ بلور یکی دیگر از برنامه‌های نوروزی فرهنگ‌سرای خانواده بود که مربوط به اتمام نوروز است. در این طرح در آخر عید نوروز شهروندان منطقه ماهیان قرمز خود را به فرهنگ‌سرا می‌دهند و در قبال آن کتاب هدیه می‌گیرند. در طرح بازارچه نوروزی نیز که از ۲۴ لغایت ۲۷ اسفندماه در محل فرهنگ‌سرای خانواده برگزار است محصولات و موضوع‌های مرتبط با عید نوروز با قیمت متناسب به شهروندان ارائه می‌شود، کارهای ارائه شده به بازارچه پس از داوری جوایزی نیز دریافت خواهند کرد.

کارشناس فرهنگی فرهنگ‌سرای خانواده اضافه کرد: در برنامه سرنا خوانی و نوروز خوانی که به مناسبت استقبال از بهار است نیز با یک تیم هنری هماهنگ شده تا ۲۷ و ۲۸ اسفندماه ساعت ۱۰ صبح در پارک‌های معین منطقه با ساز و دهل مخاطبان را جمع کرده و چند برنامه مرتبط با نوروز را اجرا کنند.

شخص سلیم همچنین به برگزاری برنامه در اعتکاف علمی در این فرهنگ‌سرا اشاره و بیان کرد: برای شرکت در اعتکاف علمی ۷۵ نفر ثبت‌نام کردند و از ۲۸ اسفند تا ۱۳ فروردین در فضای فرهنگ‌سرا می‌توانند از ساعت ۷ صبح تا ۱۰ شب مطالعه و خود را برای رقابت علمی کنکور آماده کنند.

چوپان / اسفند که از نیمه می‌گذرد دیگر خواهی نخواهی بوی بهار از همه جا استشمام می‌شود. صبح‌ها که از خانه می‌زنی بیرون هوای شهر بوی بهار می‌دهد. وارد شهر که می‌شوی عده‌ای را مشغول گلکاری و رنگ آمیزی میلمان شهری خواهی دید. شب‌ها مردم را می‌بینی که در خیابان‌ها در تدارک عیدند، اگر چه سخت‌تر اما هر سال این امید سبز در دل مردم جوانه می‌زند. همه به استقبال بهار می‌روند، هر جنبنده‌ای که روی زمین باشد و در منطقه ما نیز اوضاع از همین قرار است.

به گزارش شهرآرامحله، یکی از جذاب‌ترین مباحث سال تحویل بحث فرهنگی آن است، عمو نوروز و حاجی فیروز و ننه سرما، داستان سین‌های هفت‌سین، راز ماهی قرمزها و هزار چیز دیگر که هنوز نوروز را بر ایمن خوش‌رنگ‌نگه داشته است. در همین راستا و با هدف آشنایی هر چه بیشتر شهروندان با این آیین‌ها، فرهنگ‌سراهای منطقه هر ساله برنامه‌های متعددی را برای شهروندان نواحی سه‌گانه منطقه ما برگزار می‌کنند.

● شهر زیبا و کشف رازهای تاریخی هفت‌سین

طیبه غلامی، مدیر فرهنگ‌سرای شهر زیبا و ایمن، درباره برنامه‌های این فرهنگ‌سرا در آستانه سال جدید بیان کرد: کارگاه‌های متعدد آموزشی برای آموزش ساخت هفت‌سین برای شهروندان منطقه در نظر گرفته شده که از آن جمله می‌توان به کارگاه تخم‌مرغ‌های رنگی ویژه مادران و کودکان، کارگاه آموزش سبزه و کارگاه آموزش دکوراسیون و چیدمان بهاره که از ۲۱ اسفند آغاز و تا ۲۳ این ماه ادامه دارد، اشاره کرد. وی ادامه داد: افزون بر این در راستای آشنایی هر چه بیشتر شهروندان با آداب و سنن ایرانی برنامه آشنایی با آیین‌ها و رازهای تاریخی سفره هفت‌سین را برگزار می‌کنیم که طی این برنامه یک گروه هنری با شعری ویژه به هر سین تمام سین‌ها را معرفی کرده و درباره رازهای آنان صحبت می‌کنند.

غلامی خاطر نشان کرد: برنامه نوروز خوانی نیز ۲۸ و ۲۹ اسفندماه برگزار خواهد شد. طی این برنامه یک گروه هنری در کوچه پس‌کوچه‌های منطقه و همچنین مقابل پاساژها حضور خواهند یافت و با نوروز خوانی به معرفی نوروز می‌پردازند. این گروه شامل عمو نوروز و حاجی فیروز و ... است. برنامه نوروز خوانی اولین سالی است که اجرا می‌شود.

وی ادامه داد: در طرح سفیران بهار نیز تعدادی دوچرخه‌سوار با لباس‌های متحدالشکل و دوچرخه‌های آذین‌بندی شده با گل در کوچه پس‌کوچه‌های شهر تردد خواهند کرد تا هم ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری باشد هم شروع سال جدید را به شهروندان نوید دهند. مدیر فرهنگ‌سرای شهر زیبا و ایمن در پایان اظهار کرد: برای کنکوری‌ها نیز برنامه اعتکاف علمی داریم و از تمامی علاقه‌مندان برای حضور در کتابخانه و مطالعه در تاریخ ۲۸ اسفند لغایت ۱۵ فروردین از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب ثبت‌نام می‌شود.

فرهنگ‌سراهای منطقه هر ساله برنامه‌های متعددی را برای شهروندان منطقه برگزار می‌کنند

خوب مثل بچه‌ها به ایستگاه آخر رسید



چوپان / جشنواره خوب مثل بچه‌ها که امسال برای سومین بار در منطقه ۱۰ و برای اولین بار در شهر مشهد از دی ماه آغاز شده بود سرانجام در ۱۶ اسفندماه به کار خود پایان داد.

به گزارش شهردار محله، حسین کریمی، رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی شهرداری منطقه ۱۰، در این باره به خبرنگار ما گفت: جشنواره خوب مثل بچه‌ها طی ۲ سال گذشته به صورت پیلوت در منطقه ۱۰ اجرا شد و امسال بر اساس نتایج نیازسنجی انجام شده از مهدها و پیش‌دبستانی‌ها و با توجه به استقبال خوبی که در سال‌های گذشته انجام شده بود و درخواستی که وجود داشت این جشنواره برای اولین بار به صورت شهری برگزار شد.

وی در ادامه بیان کرد: بر اساس تجارب سال گذشته نقاط مثبت و منفی جشنواره شناسایی شد و سعی کردیم با در نظر گرفتن تجارب پیشین این جشنواره را در شهر مشهد به بهترین نحو ممکن اجرا کنیم. کریمی ادامه داد: با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ شهروندی در مدیریت شهری، آموزش آداب اجتماعی، ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی از جمله اهداف اصلی جشنواره خوب مثل بچه‌ها بود. سلام کردن، احترام به بزرگ‌ترها، حفظ و نگهداری فضای سبز، تفکیک زباله از مبدأ، قرار دادن زباله‌رأس ساعت مقرر در جلوی خانه، کاشت و آبیاری فضای سبز، حق تقدم و عبور و مرور عابران پیاده و... از جمله ۱۴ سرفصلی بود که به وسیله دبیرخانه‌ای که از مشارکت شهرداری و آموزش و پرورش تشکیل شده بود به مراکز پیش‌دبستانی و مهدها اعلام شد و بر این اساس آموزش‌های لازم برای کودکان ارائه شد. رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی شهرداری منطقه بیان کرد: اجرای سرود و تئاتر به وسیله کودکان به عنوان محورهای اصلی و ساخت کار دستي و نقاشی به عنوان محورهای فرعی در این دوره از جشنواره و با توجه به سرفصل‌های اعلامی، علاوه بر نهادینه‌سازی عمیق این مفاهیم در اذهان کودکان، موجبات افزایش انگیزه و اعتماد به نفس این کودکان را به دلیل اجرا در برابر حضار فراهم آورد.

● همکاری بخش خصوصی، نقطه عطف جشنواره

کریمی در ادامه به همکاری بخش خصوصی و دولتی برای برگزاری جشنواره به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردها اشاره و خاطر نشان کرد: در قدم اول حذف پیمانکار به معنای عام باعث صرفه‌جویی در هزینه‌های برگزاری جشنواره شد و در قدم بعدی جذب مشارکت بخش خصوصی باعث شد تا حدود ۲۰۰ میلیون تومان از هزینه‌های

جشنواره را از این محل تأمین و گامی در راستای کاهش هزینه‌های مدیریت شهری برداریم.

وی بیان کرد: سومین جشنواره خوب مثل بچه‌ها در ۳۳ مقدماتی، نهایی و اختتامیه کلید خورد، این جشنواره از ۴ دی ماه فعالیت خود را در دور مقدماتی با شرکت بیش از ۳۲۰ مرکز به صورت هم‌زمان در ۱۲ نقطه شهری آغاز و پس از معرفی ۱۰۰ مرکز برتر در دور نهایی و انتخاب ۲۰ مهد برتر در مراسم اختتامیه، با مشارکت ۶۰۰۰ نفری مخاطبان در ۱۶ اسفندماه امسال سرانجام به کار خود پایان داد.

رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی شهرداری منطقه اظهار کرد: دور نهایی جشنواره به میزبانی شهرداری منطقه ۱۰ و در سالن آملی تئاتر برگزار شد و مراسم اختتامیه سومین جشنواره خوب مثل بچه‌ها نیز با حضور ۴۰۰۰ کودک مشهدی و با همراهی والدین آن‌ها و همچنین چندتن از اعضای شورای شهر مشهد، معاون اجتماعی و مشارکت‌های سازمان اجتماعی، فرهنگی شهرداری، مسئولان آموزش و پرورش شهر و بهزیستی در سالن ورزشی شهید بهشتی برگزار شد.

وی گفت: این مراسم به همت اداره اجتماعی، فرهنگی شهرداری منطقه ۱۰ و معاونت اجتماعی و مشارکت‌های سازمان اجتماعی، فرهنگی شهرداری مشهد و با مشارکت نهادهای آموزش و پرورش و بهزیستی برگزار شد و مسئولان و اعضای شورای اسلامی شهر مشهد از ۲۰ پیش‌دبستانی برتر با اهدای تندیس و هدایای ویژه تقدیر کردند. قریب به ۱۴۰۰۰ کودک به همراه والدین و تیم اجرایی (حدود ۶۰۰۰ نفر مشارکت) در دور مقدماتی این جشنواره حضور داشتند و در مجموع تعداد ۳۱۵ مورد سرود و ۲۹۱ مورد تئاتر با موضوع‌های

منطبق بر محورهای اعلامی جشنواره به نمایش گذاشته شد. کریمی ادامه داد: با اجرای این طرح سعی شد تا مراکز بتوانند اجرای خود را بر اساس نیاز هر منطقه، تنظیم و به آموزش کودکان بپردازند، محور بازیافت، آموزش روابط اجتماعی، کاشت نهال، حفظ و نگهداری درختان و فضای سبز و احترام به بزرگ‌ترها جزو موارد مورد توجه بود. کریمی اظهار کرد: ۱۲ مجری، ۱۲ تصویربردار و ۱۲ اپراتور اجرایی برنامه‌ها را در نقاط مختلف بر عهده داشتند، افزون بر این ۴ داور در هر برنامه برای ارزیابی و به‌کارگیری بیش از ۵۰ نفر به عنوان نیروی اجرایی و خدمات موجبات برگزاری منظم و مطابق با جدول برنامه را فراهم آوردند. در مجموع با احتساب کلیه عوامل درگیر روزانه حدود ۱۸۰ نفر برای برگزاری سومین جشنواره خوب مثل بچه‌ها همکاری داشته‌اند.



آغاز عملیات اجرایی دوربرگردان روگذر شرقی بولوار آیت... رفسنجانی

مراسم آغاز عملیات اجرایی دوربرگردان روگذر شرقی بولوار آیت... هاشمی رفسنجانی با حضور شهردار، اعضای شورای شهر، معاونان شهردار و مدیران شهری مشهد برگزار شد.

محمدرضا کلائی، شهردار مشهد، در این آیین گفت: از این پس تمام پروژه‌های شهری مشهد برای اطلاع شهروندان از روند کار دارای تابلوی روزشمار خواهند بود که برای دوربرگردان روگذر شرقی بولوار آیت... هاشمی رفسنجانی به عنوان اولین پروژه تابلوی روزشمار ۲۷۰ روزه نصب شده است.

محمدهادی مهدی‌نیا، رئیس کمیسیون عمران و شهرسازی شورای شهر نیز در این مراسم با اشاره به اینکه با انجام اصلاحات هندسی و پروژه‌های عمرانی در حوزه حمل و نقل به دنبال کمتر شدن ترافیک هستیم، گفت: البته شورا فراموش نکرده که تنها با موضوع‌های سخت‌افزاری به ترافیک نگاه نکند و به موضوعات نرم‌افزاری نیز از جمله توجه به پیاده‌محوری، آموزش و ترویج فرهنگ ترافیکی نیز توجه خواهیم داشت.

خلیل... کاظمی، معاون حمل و نقل و ترافیک و سرپرست معاونت فنی و عمران شهرداری مشهد نیز تصریح کرد: دوربرگردان روگذر شرقی آیت... هاشمی رفسنجانی با هدف دسترسی ضلع جنوبی بزرگراه آزادی و خروجی بزرگراه آیت... هاشمی رفسنجانی به ضلع شمالی بزرگراه آزادی و اتصال به بولوار توس احداث می‌شود و با اجرای این طرح شاهد افزایش ایمنی بزرگراه، ایمنی دسترسی به بولوار توس از خیابان دانش، افزایش ایمنی دور زدن در بزرگراه و دسترسی به سه راه فردوسی، کاهش مصرف سوخت و کاهش تأخیر حرکت و تصادفات دوربرگردان خواهیم بود.



ترویج فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی از اهداف اصلی جشنواره خوب مثل بچه بود

درباره هادی پیوندی و تنگ‌های سبز سفره هفت‌سین که به دست توان‌یابان ساخته می‌شود

ماهی قرمز کوچولو!



کاملان - بازار ماهی و ماهی‌فروشی در دم‌های عید نوروز خیلی داغ است. البته سبزه خریدن برای سفره هفت‌سین را هم باید به این داستان اضافه کنیم که بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر سر سفره‌شان نباشد و سبزه به در آن راز خودر و بشان بیرون پرتاب نکنند، گناهی نابخشودنی انجام داده‌اند و آن سال برایشان آمد ندارد و قس علی‌هذا. راحت‌ترین و البته شاید جذاب‌ترین کار برای ما خیرنگاران و اهالی رسانه این باشد که با برویم سراغ مردم در حال خرید عید و از آن‌ها درباره خرید و این‌طور چیزها بپرسیم، یا اینکه برویم سر وقت تولیدکننده ماهی و سبزه و ادوات عید. ما هم همین کار را کردیم و رفتیم سراغ یک تولیدکننده ماهی‌های سفره هفت‌سین. البته سبزه ما زمین تا آسمان با چیزی که فکر می‌کنید فرق دارد. هادی پیوندی که این روزها وقت سر خاراندن ندارد و باید سفارش‌های عید را به دست مشتری‌ها برساند، یک توانیاب ضایعه نخاعی است که با نسالی آوار یوم ۳۶ متری که گوشه حیاط خانه پدری‌اش زده، کاری کرده کارستان. او در همین فضای کوچک دارد ۶۰-۵۰ هزار ماهی زبرای قرمز کوچولو برای سفره‌های هفت‌سین من و شما تولید می‌کند. از آن طرف برای بچه‌هایی که مثل خودش دچار ضایعه نخاعی هستند و ویلچر نشین، کلاس گذاشته که چطور گل‌دان‌های سبزه شیشه‌ای با ماهی درست کنند و در بازار بفر و بشند. اغراق نیست اگر بگوییم بیش از ۹۰ درصد گل‌دان‌های سبزی که ماهی‌های کوچولوی زبرا در آن وول می‌خورند و دل‌مان را از پشت و بترین مغازه‌ها می‌برند، گل‌دانش کار دست‌دوستان او باشد و ماهی داخل آن محصول سالنی کوچک هادی که وسایلش همه مستعمل شده‌اند و به نونوار کردن نیاز دارد. ولی نه به او وام می‌دهند و نه در این اوضاع و احوال اقتصادی سرمایه‌گذاری با پیش می‌گذارد. گفت‌وگوی عیدانه شهرآرامحله با هادی پیوندی را از دست ندهید.

شدیم که جمعش کنیم. خلاصه مدام از این شرکت به آن شرکت می‌رفتم. مدتی با شرکت ایزیران کار می‌کردم، بعد مدیر سخت‌افزار و نرم‌افزار یک شرکت نسبتاً بزرگ شدم.

● پس این قدر درگیر دنیای کامپیوتر و صفر و یک شدید که رؤیای کار کردن با موجودات زنده را به کل فراموش کردید. اصلاً انگار به چنین چیزی فکر نمی‌کردید.

برعکس من از همان ۱۳-۱۴ سالگی با حیوانات دم‌خور بودم. به ویژه ماهی‌ها. یک تشت ۵۰۰ لیتری داشتم که داخلش گپی پرورش می‌دادم و به هم مدرسه‌ای‌ها یا مغازه‌دارها می‌فروختم. یاد هست سکه‌های یک تومنی و دو تومنی که دستم می‌رسید، جمع می‌کردم، سر ماه که می‌شد می‌رفتم از این ماهی‌های کوچک می‌خریدم، داخل شیشه دارو می‌انداختم و به بچه‌ها می‌فروختم. زمانی هم که کار کامپیوتری می‌کردم هم دست از پرورش ماهی برنداشتم. در انباری دو در یک نیم‌متری خانه پدری سه تا آکواریوم داشتم. پُر از اسکار و آنجل. پرورش می‌دادند و برای فروش. همان موقع که در آن شرکت همه کاره بخش آی‌تی بودم، با یکی از دوستانم در یک فضای بیست متری سالن آکواریوم زدیم که البته به سال نکشیده جمعش کردیم. بنده خدا مر می‌بود و کشش این کار را نداشت. اما آن سالن‌داری این قدر به من چسبیده بود که پیشنهاد مهندس‌گانی را

زیست‌شناسی بخوانم. بس که عاشق موجودات زنده و حیوانات و محیط زیست بودم. همیشه آرزویم این بود که کارم یک ربطی به حیوانات داشته باشد. همیشه به این آرزو فکر می‌کردم، اما راستش را بخواهید هیچ وقت فکر نمی‌کردم به آن برسم. سال اول پیش دانشگاهی من، مثل همه بچه‌های ضایعه نخاعی، زخم‌بستر گرفتم و برای مدتی خانه نشین شدم و به دلیل اتفاقاتی که در مدرسه‌ام افتاد، مجبور شدم برخلاف میل باطنی درس را کنار بگذارم و قید دانشگاه رفتن را بزنم.

● خانه نشین شدید یا رفتید سراغ یاد گرفتن هنری کاری که بعدها بتوانید از آن پول در بیاورید؟

من پر جنب و جوش آدمی نبودم که خانه نشین شوم. با توانیابان آشنا شدم و رفتم آنجا که کامپیوتر یاد بگیرم. بعد از شش، هفت ماه استادم‌ان گفت که اینجا به درد تو نمی‌خورد و چیزی بیشتر از این یاد نمی‌گیری. برو جای دیگر مشغول شو. رفتم جایی دیگر دوره دیدم، مدرک گرفتم و شدم یک کامپیوتر دان همه چیز بلد. آن زمان تازه کامپیوتر مُد شده بود و ویندوزی وجود نداشت هنوز. سیستم عامل‌ها همه داس بود و من ۲۵۰ دستور داس را چشم بسته می‌زدم. شغل و پیشه‌ام شده بود کار کامپیوتری. حتی با جمعی از معلولان یک شرکت تعاونی هم ثبت کردیم و راه‌انداختیم اما از حمایت نکردند و مجبور

رسیده بود به مرور زمان بهبود پیدا کرد، ولی من تا آخر عمر باید روی ویلچر می‌نشستم.

● این اتفاق در روند تحصیل شما تأثیری نداشت. مثلاً مجبور شوید که به خاطر دوری مسیر و سختی تردد قید درس و مدرسه را بزنید. چون بالاخره در دهه ۶۰ خیلی امکانات و شرایط برای شما مهیا نبوده؟

من نه از درس خسته شدم و نه حاضر بودم قیدش را بزنم. برعکس درس را دوست داشتم. مثل یک بچه سالم که هیچ معلولیتی ندارد، رفتم مدرسه. مادرم کاری کرده بود که من متکی به کسی نباشم و کارهایم را خودم انجام بدهم. آن هم نه مثل بچه‌های الان با سرویس. صبح به صبح خودم سوار اتوبوس می‌شدم و می‌رفتم مدرسه. ساعت‌ها در ایستگاه می‌ایستادم که یک اتوبوس خلوت بیاید تا من بتوانم سوار بشوم، یا اینکه یکی دو نفر آدم منصف و مهربان پیدا شوند و ویلچرم را تا بالا ببرند. البته آن زمان آدم‌ها بر خلاف امروز نسبت به هم خیلی مهربان‌تر بودند و کم‌پیش می‌آمد که من به کسی رو بزنم و نه بشنوم.

● واقعاً درس را دوست داشتید یا این مدرسه رفتن با همه مشقت‌هایش از سر اجبار و بی‌کار ماندن بود؟

عاشق درس خواندن بودم و رشته تجربی. اصلاً همه قصد و نیتم از تجربی خواندن این بود که در دانشگاه

● کسی که از در وارد سالن آکواریوم شما می‌شود، در همان لحظه اول بهت می‌برد. با این همه ماهی، صدای آب و بویی که می‌آید، فکر می‌کند درست افتاده وسط یک دریا؛ مثلاً خلیج فارس و این ماهی کوچولوها دوره‌اش کرده‌اند و دارند با تعجب نگاهش می‌کنند. البته فکر کنم این جریان بعداً این همه سال برای شما عادی شده حداقل.

این ماهی‌های کوچک قرمز که اسمشان زبراست و قرار است امسال بروند سر سفره هفت‌سین مردم. حالا ماجرایش را برایتان تعریف می‌کنم. اما این فضا هنوز بعد از این همه کار کردن برای من عادی نشده است. این بویی که شما می‌گویید و خیلی‌ها از آن بدشان می‌آید، بوی زندگی است و حیات در آن جریان دارد.

● برویم سر اصل مطلب؛ معلولیت شما و به تبع آن رفاقت ۳۸ ساله‌تان با ویلچر مادرزادی است یا اینکه مثل خیلی از هم‌سن‌وسال‌ها بتان که معلولیتشان شبیه شماست، کار تزریق اشتباه و این‌طور چیزها بوده؟

من تا پیش از تولد کاملاً سالم بودم و هیچ مشکلی نداشتم. موقع تولد دچار کشیدگی نخاع و بعد از آن دچار معلولیت شدم. این قدر که یک دست من تا ۲ سالگی فلج بود و در شب ولادت امام رضا (ع) معجزه وار خوب شد. آسیبی هم که بقیه اندام‌های بالاتنه

الان خودتان دارید می‌بینید وضعیت سالن من چگونه است. پایه‌های آکواریوم‌ها پوسیده است و بعضی‌ها پیش را که نه تقریباً همه‌اش را با آجر سربا نگه داشته‌ام. با این وضعیت که کمتر از ۴۰-۳۰ درصد تقریباً فعال است دارم ۱۲،۱۰ هزار ماهی تکثیر می‌کنم و به بازار می‌فرستم. اگر بتوانم سالن را به روز کنم، ظرفیت تولیدم به بیش از ۵۰ هزار قطعه ماهی می‌رسد. من از کسی صدقه نمی‌خواهم و فقط سرمایه‌گذار لازم دارم. کسی که پولش را در اینجا سرمایه‌گذاری کند. من با توجه به سابقه‌ای که دارم برگشت سرمایه در این کار را می‌توانم به راحتی تضمین کنم و بگویم که این اتفاق قطعی است و خیلی هم زود رخ می‌دهد. به شرطی که کسی اطمینان کند و بیاید کنارم قرار بگیرد و سرمایه‌ای که لازم دارم، تأمین کند. شاید باور نکنید، ولی از کنار همین سالن ۳۵ متری، ۱۰۰ نفر می‌توانند نان بخورند و کار آفرینی کنند. من حتی برنامه دارم وقتی که ظرفیت این سالن به حد نهایی خودش رسید، یک شعبه دیگر تأسیس کنم و بسپر مش دست یک عده دیگر.

● **هادی پیوندی احتمالاً تنها توانیابی نیست که دارد کار پرورش ماهی انجام می‌دهد؟ کس دیگری را حداقل در ایران سراغ دارید که کارش این باشد.**

راستش به جرئت می‌توانم بگویم که من تنها پرورش دهنده ماهی در ایران هستم که معلولیت دارم و دو ویلچر نشینم. خنده دار اینجاست که وقتی مشتری‌ها وارد سالن می‌شوند و دورشان را می‌زنند، فکر می‌کنند همکارم که معلولیتی ندارد مسئول سالن است و می‌روند سر وقت او، اما همین که می‌فهمند من همه‌کاره این مجموعه هستم و یک نفره آن را به اینجار رسانده‌ام، جامی خوردند. بسته به تصور ذهنی که به معلول‌ها دارند، نگاهشان به من و سالن آکواریوم تغییر می‌کند، بعضی‌ها ایشان خوش حال می‌شوند و به ادامه کار مصمم، بعضی دیگرشان هم قطع همکاری می‌کنند و می‌روند.

نمی‌زد. حتی در خیلی از مواقع خوشگل‌تر هم بود. بزرگ‌های این کار که سالن‌هایشان صد برابر مکان ۳۵ متری من بود، مانده بودند که چطور این اتفاق دارد می‌افتد. ماهی‌ای که تا دیروز قیمتش سر به فلک می‌کشید و فقط بعضی از آدم‌های خاص آن را داشتند، قیمتش کلی پایین آمده بود و همه می‌توانستند آن را بخرند. اصلاً هم خبر نداشتند که این ماهی‌ها دارد در گوشه حیاط یک خانه در مشهد تکثیر می‌شود. کار به جایی رسید که همه‌شان من را تحریم کردند و ماهی خاص به مشهد نمی‌فرستادند. البته تحریم‌ها که شروع شد و غذا و قیمت خودشان که بالا رفت، کم کم گذاشتمش کنار و به قول معروف راهبرد کارم را عوض کردم. چون احساس خطر کردم.

● **آن زمان همه چیز یک دفعه گران شد و ناخواسته مجبور شدید که به قول خودتان تغییر راهبرد بدهید، هادی پیوندی نترسید که با سر زمین بخورد و دیگر نتواند بلند شود؟ راستش من به این اصل خیلی معتقدم که روزی دهنده آن بالاسری است و هیچ کس نمی‌تواند در کارش دخالت کند. همین اعتقاد و از همه مهم‌تر علاقه بی حد و حصرم به من اعتماد به نفس داده و هیچ وقت نمی‌ترسم. من از این بدترها را از سر گذرانده‌ام. این قدر که همه می‌گفتند هادی! سالنت را جمع کن و کلا ماهی و پرورشش را بگذار کنار.**

● **مگر چه اتفاقی افتاده بود؟** یک باکتری در بین آکواریوم‌ها و ماهی‌ها افتاده بود که به هیچ عنوان تکثیر نمی‌شدند. در حالت عادی باید سالنم را می‌سوزاندم و از صفر یا حتی زیر صفر شروع می‌کردم. ولی من باور داشتم که می‌توانم و باید شکستش بدهم. ۲ سال طول کشید ولی من آخر موفق شدم.

● **اوضاع و احوال سالن آکواریوم شما امروز چطور است؟ بی‌تعارف چرخش می‌چرخد یا نه؟**

سوله بخرم، آدم در حیاط خانه پدری، یک فضای ۳۵ متری درست کردم که شد سالن آکواریوم‌هایم. همه چیز را تقریباً از اول شروع کردم، اما در یک فضای تثبیت شده که مال خودم بود.

● **هنوز هم کارهای کامپیوتری انجام می‌دادید یا دیگر به آرزویتان رسیده بودید و آن را کامل گذاشته بودید کنار؟**

من کامپیوتر و دنیایش را دوست داشتم و هنوز هم دارم. آن زمانی که کار می‌کردم به سه شماره عیب سیستم‌های کامپیوتری را در می‌آوردم. اما بازار که خراب شد و اجناس چینی همه چیز را قبضه کردند، اوضاع و احوال من هم به هم ریخت، برای همین برخلاف میل باطنی گذاشتمش کنار و چسبیدم به کار پرورش ماهی. البته گونه‌های خاص.

● **یعنی گونه‌هایی که در ایران وجود نداشت یا اگر هم بود گران بود و هر کسی قدرت خریدش را نداشت. درست است؟**

دقیقاً. گونه‌هایی که بعضی از آکواریوم‌دارهای خاص آن‌ها را می‌خریدند و لنگه‌اش در ایران نبود. باور تان نمی‌شود که بعضی‌ها ایشان را خودم از کشورهای اروپایی وارد و بعد تکثیر کردم. آن زمان خودم و برندم کاملاً در مشهد شناخته شده بودیم. خیلی‌ها باورشان نمی‌شود که من این ماهی‌ها و حتی آنجل‌ها را صادر هم می‌کردم. به همین کشورهای دور و اطراف.

● **این ماهی‌های خاص را فقط وارد می‌کردید که بفر و شید یا بلایی دیگری سرشان در می‌آوردید؟**

در طول این سال‌هایی که ماهی پرورش می‌دادم یک لحظه مطالعه‌ام در این باره قطع نشده بود و مدام اطلاعاتم را به روز می‌کردم. این گونه‌ها را به قصد تکثیر وارد ایران کردم و انواع و اقسام آزمایش‌ها را روی آن‌ها انجام دادم. این قدر که نمونه‌ای که من در سالنم تولید می‌کردم، با آن چیزی که در اینترنت وجود داشت و مردم می‌دیدند مو

رد نکردم و از آن شرکت آدم بیرون و رسماً وارد کار پرورش ماهی‌های زینتی شدم.

● **یعنی آن پیشنهاد این قدر وسوسه‌کننده بود که کار به نسبت دائمی‌را اول کنید و بروید سراغ پرورش ماهی‌های زینتی که بگیر و نگیر دارد و معلوم نیست که چه آینده‌ای داشته باشد.**

واقعاً وسوسه‌کننده بود. یک سالن ۱۴۰ متری را در امین‌آباد جاده قدیم در اختیار من قرار داد که کار پرورش ماهی راه بیندازم. یک سالن یا ۷۰ آکواریوم و ۱۴۰ تا حوضچه پُر از گلد فیش و گپی. آن زمان دیگر کار ثابت کامپیوتری را رها کرده و چسبیده بودم به این کار. البته رهای رها که نه. شده بودم خدمات کامپیوتری سیار. آن زمان یک موتور سه چرخه خریده بودم که پشتش تبلیغ همین کارهای کامپیوتری را چسبانده بودم. صبح‌ها می‌رفتم سراغ سالن و آکواریوم‌ها، بعد از ظهرها هم تدریس خصوصی و خرده کاری‌های کامپیوتری.

● **بعد شما همه کارهای آن سوله ۱۴۰ متری را تنهایی انجام می‌دادید یا کسی کنار دستتان بود و کمکتان می‌کرد؟**

تنهایی تنها بودم و همه کارها را از صفر تا صد خودم انجام می‌دادم. با همین وضعیتی که می‌بینید یک اتاق برای خودم درست کرده و از صبح تا شب آنجا بودم. تقریباً ۲ سال آنجا بودم و بنا به دلایلی مجبور شدم آنجا را تحویل صاحبش بدهم. بعد از کلی گشتن یک جایی در نزدیکی‌های کال زر کش اجاره کردم و این بار محدودتر وارد بازار شدم. آنجا هم ۲ سال بیشتر دوام نیاوردم و بعد از مدتی تخلیه کردم و آدم در خانه پدری مشغول شدم.

● **چرا خانه پدری؟** ببین؛ در این کار اجاره‌نشینی و جابه‌جایی هیچ فایده‌ای ندارد. یک اثاث‌کشی کوچک یکی، ۲ سال آدم را عقب می‌اندازد. برای همین حتماً باید از خودت جا داشته باشی. من که آن زمان پول نداشتم خانه و



به ذهنم رسید که چرا من به هم نوع خودم و کسانی که مثل من دچار ضایعه نخاعی هستند، کمک نکنم. آن هم دم عیدی که همه نیاز به پول دارند و بازار من هم داغ است. از طرف دیگر مسئله اشتغال این بچه‌ها خیلی جدی است و اصلانمی‌توانند از خانه بیرون بروند. باور تان نمی‌شود که خیلی از بچه‌های ضایعه نخاعی منتظر مرگ هستند. چون هیچ کدامشان به این خودباوری نرسیده‌اند که می‌توانند مثل استیفن‌ها و کینگ‌ها باشند. ما آمدم همه‌شان، یعنی آن‌هایی که می‌توانستند این کار را انجام بدهند، دور هم جمع کردیم و برایشان کلاس گذاشتیم. یادشان دادیم که چطور برای سفره هفت‌سین گلدان سبزه‌سازند و بفروشند. الان هم که دم عید و بازار فروش این‌طور چیزها گرفته است. سرمایه‌گذار برای این کار پیدا کردیم و هزینه شروع این کار را گرفتیم و خودمان ابزار و ادوات کار را حتی می‌فرستیم دم در خانه‌شان. شما نمی‌دانید که این داستان چقدر در روحیه آن‌ها تأثیر گذاشت و کاش بودید و عشق و لبخند را در چهره‌شان می‌دیدید.

ماهی‌ها زبر داشته باشند. دیگر همه تولید سالن من شد این گلدان‌ها و ماهی‌ها زبر. تنگ‌ها یا همان گلدان‌های سبز را گسترش دادیم و الان بازار مشهد تقریباً دست ماست و رقیبی نداریم. باور تان نمی‌شود که در همین سالن فسقلی من بیش از ۵۰ هزار ماهی زبر تکثیر کرده و بیرون فرستاده‌ام. هادی آن‌طور که می‌گوید بازار را قبضه کرده و فعلاً کسی روی دستش بلند نشده است و می‌تواند به راحتی کلی سود کند و احدالناسی را با خودش شریک نکند اما از این اخلاق‌ها ندارد. این روزها هم چنان که حواسش به سالنش است، دم عیدی دارد برای بقیه بچه‌های ضایعه نخاعی هم کار جور می‌کند که یک لقمه نان حلال ببرند سر سفره خانه و زندگی‌شان. ادامه این ماجرا را از زبان خودش بخوانید: «برای من بحث ضایعه نخاعی اصلاً مهم نبوده و نیست. من اعتقاد دارم که اینجا سفره‌ای پهن است و خدا امکاناتی به من داده و حالا من هم باید واسطه‌ای بشوم برای روزی رساندن به بقیه. خیلی از آدم‌هایی که هیچ معلولیتی نداشتند، آمدند پیش من و کار کردند.

وقتی ماهی قرمزهای کوچولو باعث وبانی خیر می‌شوند

هادی و همکارش این روزها دارند به قول معروف چهارموتوره کار می‌کنند که سفره هفت‌سین من و شما بی‌ماهی و تنگ نباشد. البته از آنجایی که چندسالی می‌شود نه به ماهی قرمز و ماهی قرمز نخرید راه افتاده، آکواریوم‌های سالن ۳۵ متری هادی پُر است از ماهی‌های کوچولوی زبرا که می‌گویند بی‌عار هستند و عمرشان بیشتر از بقیه است: «من خیلی با قبل‌تر از این، زبرا تولید و تکثیر کرده بودم. گلدان‌های سبزه هم خیلی با آکواریوم‌های گیاهی که دستی پر آتش تولیدشان داشتم فرقی نمی‌کرد. وقتی که مجبور شدم کار ماهی‌های خاص را کنار بگذارم، نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده بود که ماهی زبرا روی بورس آمده بود و خیلی‌ها ترجیح دادند که به جای ماهی قرمز از این‌ها بخرند. پویش ماهی قرمز نخیریم هم بی‌تأثیر نبود. مردم علاقه پیدا کردند سر سفره هفت‌سین گلدان سبز با



استادی-کشورهای فرنگی اگر تشریف ببرید، در همان بدو ورود به مملکتشان یک کتابچه بزرگ و قطور می‌دهند دستتان که داخلش همه آن چیزی که نیاز دارید و ندارید را نوشته‌اند. از آدرس منطقه‌های شهرداری‌شان و ادارات و سفارت‌خانه‌ها گرفته تا هتل و هاستل و بیمارستان و درمانگاه و حتی تاریخ دقیق برنامه‌ها و جشنواره‌هایی که قرار است در آن کشور برگزار شود. ما اما در ایران گردشگر پذیر که سالانه چند صد هزار نفر فرنگی برای دیدن آثار تاریخی‌اش به آن سفر می‌کنند از نعمت داشتن چنین کتابچه‌ای محروم هستیم. شهرهای معروفمان مثل مشهد که هر سال دم عید پر از مسافر می‌شوند هم هیچ وقت از این کارها نکرده‌اند و تنها به دادن یک نقشه که آن هم اطلاعات دندان‌گیری نصیب مسافر نمی‌کند، بسنده کرده‌اند. آن وقت مسافر برای اینکه آرامگاه فردوسی یا نزدیک‌ترین درمانگاه و بیمارستان را پیدا کند، باید دست به دامن ما شهروندانی شود که بعضی‌ها ایمان حتی خبر نداریم که مثلاً یکی از پاساژهای بزرگ شهر در نزدیکی خانه‌مان است. اوضاع وقتی در روزهای نوروز بدتر می‌شود که در به در دنبال جایی برای تفریح کردن باشیم و خبر نداشته باشیم که در محدوده محل زندگی‌مان پارک و بوستان‌هایی هست که بقیه مردم مشهد از دورترین نقاط شهر خودشان را به آنجا می‌رسانند. در این گزارش یک راهنمای جمع‌وجور برایتان آماده کرده‌ایم از ظرفیت‌های منطقه ۱۰ که قطعاً در نوروز ۱۳۹۸ به کارتان خواهد آمد.

یک راهنمای جمع و جور از همه چیزهایی که احتمالاً عید نوروز در منطقه به کارتان می‌آید

سفر به یزد و خواف از دل قاسم آباد

علی (ع) و در نزدیکی میدان نمایشگاه است. پارک نیلوفر آبی در اندیشه ۶۸ هم که عنوان بزرگ‌ترین بوستان منطقه را به دوش می‌کشد، هم جای مناسبی است برای اینکه چند ساعتی دل از فضای خسته‌کننده خانه و آپارتمان بکنید، در فضای سبز قدمی بزنید و از هوای بهاری استفاده و روحیه‌ای تازه کنید. اگر هم فرزند دارید که محیط بزرگ و دل‌باز بوستان نیلوفر آبی جان می‌دهد برای اینکه بچه‌ها انرژی ذخیره شده‌شان که در آپارتمان‌ها امکان تخلیه‌اش را ندارند، راحت بیرون بریزند و از تفریح کردن لذت ببرند.

● ایستگاه استقبال از زائر

جاده مشهد-قوچان بعد از اتوبان باغچه یکی از پرترددترین و شلوغ‌ترین ورودی‌های مشهد است. مبادی ورودی همیشه جزو مهم‌ترین قسمت‌های شهرهای گردشگرپذیر هستند. چون اولین برخورد توریست یا زائر با شهر مقصد در همان نقطه اتفاق می‌افتد و اگر خاطره و تصویر خوبی برایش ساخته شود که باز هم مشتری آن شهر خواهد بود و گرنه موقع برگشت دیگر پشت سرش راهم نگاه نمی‌کند. ایستگاه استقبال از زائر منطقه ۱۰ سال گذشته در ورودی با حدود ۲۵ هزار متر مربع مساحت به بهره‌برداری رسید و بخش‌هایی از آن مورد بازآفرینی قرار گرفت. جای، آب‌جوش و واکس صلواتی، سرویس بهداشتی رایگان، نمازخانه، سوپرمارکت و راهنمای اسکان فرهنگیان و آلاچیق برای استراحتی چند ساعته از امکاناتی است که در این مجموعه وجود دارد.

دیدن بوستان دانش خالی کنید. بوستانی موضوعی با محوریت انرژی که همین یک دو ماه پیش افتتاح شد. جامعه هدف این پارک دانش‌آموزان است اما دیدن نمونه کامل و واقعی المان نشیمن‌خواف و بادگیرهای یزد که برای دیدنش باید کلی راه تا این شهرستان‌ها سفر کنید یا دیدن تلمبه‌دستی و آسیاب‌های آبی و دیگر المان‌هایی که حس نوستالژیک شما را قفلک می‌دهند، برای شمایی گردشگر هم جذاب خواهد بود. غیر از این‌ها در بوستان موضوعی دانش المان دیگر با محوریت انرژی ایجاد شده است که از مرحله کشف آتش از طریق سنگ چخماق و اصطکاک و استفاده از انرژی حیوانات و آب و باد تا نحوه گرم و سرد کردن منازل قدیمی و انرژی هسته‌ای را نشان می‌دهد. افزون بر ماجراهای علمی و تفریحی که در این بوستان جذاب برایتان اتفاق می‌افتد، فضای نشیمنی شبیه شهرها و باغ‌های قدیمی ایرانی در این پارک طراحی شده است که می‌توانید بعد از یک بازدید علمی در آن استراحت کنید. بوستان موضوعی دانش در انتهای بزرگراه امام



برعکس یکی از منطقه‌هایی که هر سال این موقع‌ها پُر از زائر و مسافر می‌شود، منطقه ماست. آن هم به خاطر وجود پارک‌های آبی و استخرهای متعدد که این روزها به یکی از برندهای شهر مشهد تبدیل شده است و اسمش را گذاشته‌اند گردشگری آبی! سرزمین موج‌های آبی در خیابان اندیشه ۸۳ و پارک آبی ایرانیان در بولوار حجاب معروف‌ترین پارک‌های آبی مشهد هستند. استخر کوثر در بولوار شاهد، مولای متقیان در حجاب ۵۲، نشاط در شاهد ۱۰ و آبی هشتم در بولوار حجاب هم دیگر مجموعه‌های آبی منطقه هستند.

● فضای سبز

بهار فصل سرسبزی است و در این فصل به ویژه در روزهای نوروز، همه از کوچک‌ترین فرصت ممکن استفاده می‌کنند که سری به دامان طبیعت بزنند و از سرسبزی‌اش استفاده کنند. منطقه ۱۰ با ۱۰۳ پارک کوچک و بزرگ در مشهد رکورددار است، اما در روزهای عید و بعد از آن حتماً یک روز را برای



گردشگری

● پارک‌های آبی

منطقه‌های مرکز شهر مشهد پُر هستند از معدود آثار تاریخی باقی‌مانده و جان سالم به در برده از تخریب مشهد قدیم و آن‌ها همه هم و غمشان را گذاشته‌اند روی اینکه همین آثار را به نحو احسن به زائران و مسافران معرفی کنند. منطقه ۱۰ برخلاف این مناطق جزو مکان‌هایی است که از تازه مسکونی شده‌ها و از نعمت آثار تاریخی بی‌بهره است. روستای بحرآباد، قاسم‌آباد و یکی، دو روستای دیگر که از قدیمی‌ترین محدوده‌های منطقه هستند هم کاملاً شهری شده‌اند و جز اسم کوچک‌ها و فئات قدیمی قاسم‌آباد، هیچ چیز تاریخی دیگری برای عرضه ندارند. منطقه ۱۰ تنها خیابان‌هایش مسیر رسیدن به آرامگاه فردوسی، یکی از جذاب‌ترین و معروف‌ترین نقاط گردشگری مشهد است. همه این‌هایی که گفتیم به این معنی نیست که منطقه ۱۰ از نظر گردشگری فقیر است.



در محله

۷

پيامک شهرآرامحله: ۳۰۰۰۷۲۸۹

رازی، مجتمع ورزشی کوثر در تقاطع اندیشه و حجاب و مجموعه شهدای لشکر در فاطمیه ۱۴ مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین سالن‌های ورزشی منطقه هستند. اما از آن طرف محله‌هایی مثل خاتم‌الانبیاء و امام‌هادی (ع) در جاده قدیم قرار گرفته‌اند و به رغم نداشتن سالن‌های ورزشی مناسب شرایط برگزاری ورزش بومی خراسان یعنی کشتی باچوخه تاحدی در آن‌ها مهیاست.

● کیوسک‌های مدیریت پسماند

آخرهای اسفند بازار خانه تکانی قبل از عید حساسی داغ است و خانم‌های خانه لحظه‌ای از جنب و جوش و فعالیت دست نمی‌کشند. انگار در یک مسابقه دارند شرکت می‌کنند و اگر خانه تکانی شان قبل از عید تمام نشود، مسابقه را باخته‌اند و جایزه چند صد میلیونی اش را هم از دست داده‌اند. القصة؛ در این خانه تکانی‌ها معمولاً کوهی از اجناس باز یافتی پیدا می‌شود که به دستور خانم خانه هر چه سریع‌تر باید از منزل خارج و تحویل مراکز باز یافت شوند. همچنین مسافران هم به طور معمول در پایان سفر لوازم باز یافتی چندی از خود بر جای می‌گذارند. شریعتی ۴۷ و ۲۶، حجاب ۶۰ و توس ۶۴ نشانی چهار کیوسک مبادله پسماند در منطقه ۱۰ است.

از مهم‌ترین اولویت‌های شهرداری هانه فقط در ایران که در کل دنیا است. مشهد هم که شهری زلزله‌خیز است و برای همین شهرداری از سال‌ها پیش دست به ساخت سوله‌های مدیریت بحران در هر منطقه زده است که اگر بلایای طبیعی سر وقت مشهد آمدند، جایی برای اسکان مردم و امداد رسانی وجود داشته باشد. مشهدی‌ها هنوز زلزله و پس لرزه‌های فروردین ۱۳۹۶ را که همه را به قول معروف زایه راه کرد، به خاطر دارند. سهم منطقه ۱۰ از تمام سوله‌های مدیریت بحران ۲ سوله راستی و شهید عامل است که اولی در بولوار دکتر حساسی و خیابان شهید راستی ساخته شده است و دومی در خیابان اندیشه، اندیشه ۸۳ قرار گرفته و موقع بروز بحران‌ها در شان به روی مردم و امداد رسانی به آن‌ها باز است.

● سالن‌های ورزشی

سهم منطقه ۱۰ با جمعیت دو بیست و چند هزار نفری اش از سالن‌های ورزشی تقریباً خوب است و پراکندگی این سالن‌ها در محدوده وسیع قاسم آباد مناسب به نظر می‌رسد. غیر از ۲ سالن مدیریت بحران که قبلاً ذکرشان رفت، مجموعه ورزشی میثاق در خیابان آزاده، سالن کارگران در فلاحی ۸۱، مهدی زاده نیا در شهرک

هیچ اتفاقی برای سیستم پخش و صوت و سالن‌های آن نیفتاده است، سخت در اشتباه هستید چون این پردیس سینمایی سال ۱۳۹۴ مورد بازسازی و نوسازی قرار گرفت و الان کیفیت صوت و تصویر و سالن‌هایش چیزی از دیگر سینماهای مشهد کم ندارد.

مراکز خدماتی

● سوله‌های مدیریت بحران

هنگام بروز حادثه، همه نگاه‌ها به سمت شهرداری و مدیریت شهری می‌چرخد و برای همین است که مهندسی بحران‌های طبیعی، اجتماعی و فرهنگی یکی



● سینما

بازار جشنواره فجر و ایران‌های نوروزی چند سالی هست که داغ شده و اصلاً خیلی از مردم به همین واسطه به سینما علاقه مند شده‌اند و سینما رفتن به یکی از تفریحات نوروزی خیلی‌ها تبدیل شده است. البته رفتن تا مرکز شهر و ترافیک و مکافات‌های پیدا کردن جای پارک را اهالی قاسم آباد با وجود سینما سیم‌رغ در میدان مادر نیازی نیست به جان بخرند. این سینما که به نوعی اولین پردیس سینمایی ایران محسوب می‌شود در سال ۱۳۷۷ تأسیس شده است و ۵ سالن نمایش با ظرفیت مجموع ۱۲۰۰ صندلی دارد. اگر فکر می‌کنید که این سینما هنوز حال و هوای همان بیست و یک سال پیش را دارد و



از اولین بازار تخصصی آبیان مشهد که همین چند روز پیش به وسیله شهردار مشهد در چهارراه مخابرات افتتاح شد، بخردید.

● بازارها

غیر از فروشگاه‌ها و بازارهایی که مستقیم با خوراک مردم در ارتباط هستند و آمار و پراکندگی شان در محلات خوب است، منطقه ۱۰ میزبان دو مرکز تجاری هم هست. یکی مجتمع تجاری اکسین در چهارراه مخابرات که از طلا و جواهر و لباس عروس و داماد گرفته تا تلفن همراه و لوازم خانگی را می‌توانید در آن پیدا کنید. دیگری مجتمع تجاری ابریشم در میدان حجاب است که اگر برای عید هنوز لباس نخورده‌اید می‌توانید سری به آنجا بزنید و مجتمع طلا و جواهر پرنس نیز مکان خوبی برای پیدا کردن طلا و جواهرات متنوع است که در نیش خیابان اندیشه ۹ واقع شده است.

انتهای بولوار حجاب، استاد یوسفی در شریعتی ۲۹ و شریعتی در خیابان شریعتی ۵۸ جزو مکان‌هایی هستند که می‌توانید رویشان حساب کنید. البته فروشگاه رفاه چهارراه مخابرات، که اولین فروشگاه بزرگ زنجیره‌ای قاسم آباد هست و هنوز خیلی از قدیمی‌ها مثل بیست و چند سال پیش خریدشان را از آنجا انجام می‌دهند هم فراموش نکنید. ماهی سبزی پلو شب‌عید را هم بروید



را یکجا بخردید، فروشگاه «شهر ما» ی تازه افتتاح شده پامچال در چهارراه مخابرات و «شهر ما» ی فلاحی که بین شهید فلاحی ۵۲ و ۵۰ است، گزینه‌های پیش‌رویتان هستند. اگر هم عادت دارید و می‌خواهید که یک بار در ماه خرید بروید و همه چیزهایی که نیاز دارید، از اجناس سوپری گرفته تا گوشت و مرغ را یکجا بخردید، فروشگاه «شهر ما» ی مروارید در پشت موج‌های آبی، حجاب در



مراکز خرید

● فروشگاه‌های ارزاق عمومی

اگر در این گزارش راهنمای محلی حرفی از مراکز خرید نمی‌زدیم، یک جای کارمان می‌لنگید و قطعاً صدای خیلی‌ها در می‌آمد که گزارشتان ناقص است، چون درباره بازارها چیزی ننوشتاید. آن هم وقتی که موقع خانه خریدن، یکی از اولین سؤال‌هایمان از مالک قبلی یا بنگاه‌دار این است که اینجا مرکز خرید درست و درمانی دارد؟ نکند یک وقت برای خرید ما یحتاج روزانه مجبور شویم کلی راه تا مرکز شهر برویم و بنزین بسوزانیم برای مواد شوینده یا گوشت؟ در منطقه ۱۰ تا دلتان بخواهد فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ برای خرید اراق عمومی احداث شده است و تقریباً در هر محله‌ای یکی دو تا از آن‌ها پیدا می‌شود. اگر وقت و حوصله خرید میوه و سبزی از فروشگاه‌های کوچک شهر را ندارید می‌توانید همه چیز

درمانی

● بیمارستان

یکی از مشکلاتی که در قاسم آباد مثل حاشیه شهر مشهد باید هر چه سریع‌تر حل شود، مسئله ساخت بیمارستان و درمانگاه‌های دولتی است. زمین و مجوز برای ساخت آماده است اما نهادهایی که وظیفه شان خدمات این چنینی است هنوز با پیش نگذاشته‌اند و مدام بهانه‌های مختلف می‌آورند. سهم منطقه ۱۰ مشهد با بیش از دو بیست هزار نفر جمعیت، فقط یک بیمارستان است. بیمارستان خصوصی ۵۰ تخت‌خوابی مهرگان در فلاحی ۱۷ که سال ۱۳۸۹ به بهره‌برداری رسیده است.

● گردشگری سلامت

این عنوان چند سالی هست که به دایره‌ها و کارشناسان گردشگری اضافه شده و یکی از قطب‌های مشهد و بیمارستان رضوی یکی از مراکز اصلی اش است. اما مرکز انکولوژی رضای (ع) در خیابان شهیدان حسینی بولوار فلاحی هم یکی از مراکزی است که به جمع قطب‌های گردشگری سلامت مشهد در حوزه سرطان اضافه شده است. این مرکز در سال ۱۳۸۶ و با کمک نیکوکاران به بهره‌برداری رسیده و با داشتن ۵۰ دستگاه شتاب‌دهنده پیشرفته در کنار دیگر تجهیزات و دستگاه‌های تشخیصی و درمانی به عنوان

بزرگ‌ترین و مجهزترین مرکز پرتودرمانی کشور، روزانه پذیرای بیش از ۷۰۰ نفر و ارائه قریب به ۲۱۰۰ خدمت درمانی به بقیه ایرانی‌ها و اتباع کشورهای همسایه است.

● مراکز بهداشت

منطقه ۱۰ مشهد و قاسم آباد طبق تقسیم‌بندی‌هایی که دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام داده است، از زیر مجموعه‌های بهداشت شماره یک مشهد محسوب می‌شود و براساس آمار و اطلاعاتی که در سایت این مجموعه آمده است، در منطقه ۱۰ فقط ۳ مرکز اصلی وجود دارد و ۶ پایگاه بهداشت که زیر مجموعه این مراکز هستند. مرکز لشکر در فلاحی ۳۰، امام حسن مجتبی (ع) در حجاب ۷۳ و مرکز خدمات جامع سلامت شاهد در شاهد ۵۲ این ۳ مرکز اصلی هستند.



اتفاق ناگواری برایشان رخ داد، دست کم در مانگاهی دور و اطرافشان هست که اقدامات اولیه را انجام بدهد و به قول معروف کار از کار نگذرد. در مانگاه‌های پارسین، ثامن الائمه، فرهنگیان ۲ و امیرکبیر جزو مراکز درمانی شبانه‌روزی منطقه ۱۰ هستند.

● در مانگاه‌های شبانه‌روزی

جای کمبود بیمارستان و تخت بیمارستانی را در منطقه با هیچ چیز نمی‌شود پر کرد، اما تعداد تقریباً مناسب در مانگاه‌ها، به ویژه از نوع شبانه‌روزی اش، شاید تا حدودی این اطمینان را به شهروندان بدهد که اگر خدایی ناکرده





صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر عامل موسسه شهرآرا: مجید خرمی
سردبیر شهرآرا محله: رضا سلیمان نوری
مدیر منطقه ۱۰ شهرآرا: تکتم رجب زاده
دبیر شهرآرا محله منطقه ۱۰: عاطفه چوپان
تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه ۱۰: ۳۵۲۵۵۷۴۳
تلفن دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۱۱
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرا: میدان شهدا، نبش دانشگاه یک
دفتر شهرآرا محله منطقه ۱۰: قاسم آباد، خیابان فلاحتی ۱۸، هاشمی مهنه ۶،
بوستان ایمان
پست الکترونیک: mahalle10@shahrara.com
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله در: shahraraonline.ir

همایش دوچرخه سواری در منطقه ۱۰ و ۱۱ برگزار شد

شرح در ستون صفحه ۲

عکس‌ها: هادی مؤذب | شهرآرا محله

